

« اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ »

« بازدید با معرفت از یادمان های دفاع مقدس »

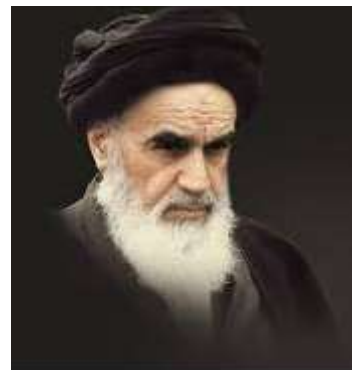
« بازدید کاروانهای راهیان نور از مناطق عملیاتی جنوب کشور »

« ما پیروزیم. » - « نحن منتصرون. »

« We are the Vectors. »

« ایستادند تا بمانیم. »

They Stood So That We Could Remain.



برکات دفاع مقدس در اندیشه امام خمینی(ره):

۱. ما در جنگ به این نتیجه رسیده ایم که باید روی پای خودمان بایستیم. (۶۷/۱۲/۳)
۲. هر روز ما در جنگ برکتی داشته ایم که در همه صحنه ها از آن بهره جسته ایم. (۶۷/۱۲/۳)

۳. ما انقلابمان را در جنگ به جهان صادر نموده ایم. (۶۷/۱۲/۳)

۴. ما مظلومیت خویش و ستم متجاوزان را در جنگ ثابت نموده ایم. (۶۷/۱۲/۳)

۵. ما در جنگ، پرده از چهره تزویر جهانخواران کنار زدیم. (۶۷/۱۲/۳)

۶. ما در جنگ، دوستان و دشمنانمان را شناخته ایم. (۶۷/۱۲/۳)

۷. ما در جنگ ابهت دو ابرقدرت شرق و غرب را شکستیم. (۶۷/۱۲/۳)

۸. ما در جنگ ریشه های انقلاب پر بار اسلامی مان را محکم کردیم. (۶۷/۱۲/۳)

۹. ما در جنگ حس برادری و وطن دوستی را در نهاد یکایک مردمان بارور کردیم. (۶۷/۱۲/۳)

۱۰. ما در جنگ به مردم جهان و خصوصاً مردم منطقه نشان دادیم که علیه تمامی قدرتها و ابرقدرتها سالیان سال می توان مبارزه کرد. (۶۷/۱۲/۳)

۱۱. جنگ ما فتح فلسطین را به دنبال خواهد داشت. (۶۷/۱۲/۳)

۱۲. جنگ ما موجب شد که تمامی سردمداران نظامهای فاسد در مقابل اسلام احساس ذلت کنند. (۶۷/۱۲/۳)

برکات سال دفاع مقدس در کلام مقام معظم رهبری:

۱. آن رزمنده‌ی همدانی که در دوران دفاع مقدس بیست سال بیشتر نداشت، در خاطرات خود به ما می‌آموزد که «اگر می‌خواهی از سیم خاردار رد شوی ابتدا باید از سیم خاردار نفس خود عبور کنی» یعنی تا هنگامی که گرفتار خود هستیم نمی‌توانیم کاری انجام دهیم. (۹۵/۱۲/۱۶)

۲. راهیان نور در واقع فناوری استفاده از ثروت عظیم و معدن طلای دوران دفاع مقدس است. (۹۵/۱۲/۱۶)

۳. اگر در زمینه‌ی دفاع مقدس، کار فرهنگی و تولید فرهنگی مستمر وجود داشته باشد، کشور در مقابل طراحی‌ها و توطئه‌های فرهنگی، قوی خواهد شد. (۹۵/۱۲/۱۶)

۴. این شخصیت‌های برجسته و مهم، همّت‌ها، خرازی‌ها، شما خیال می‌کنید [چگونه بودند؟] شهید همّت که واقعاً یک اسطوره است یا شهید خرازی که یک اسطوره است، جوانهای معمولی بودند؛ جنگ [بود که] اینها را تبدیل کرد به این شخصیت‌های برجسته و بزرگ و حقیقتاً ماندگار؛ [یا کسانی مانند] باکری‌ها، برونسی‌ها. اوستا عبدالحسین بنّای درس‌نخوانده، در میدان جنگ در بین رزمندگان وقتی می‌ایستاد و حرف می‌زد - آن کسانی که پای صحبت او بوده‌اند و شنیده‌اند، [می‌دانند] - مثل یک حکیم، مثل یک دانای خردمند حرف می‌زد و قانع می‌کرد طرف مقابلش را؛ جنگ، انسان‌ساز است. این دفاع مقدس با این خصوصیتاتی که من گفتم، یک چنین انسانهایی تربیت میکند. چیت‌سازیان، یک پسر هفده هجده ساله [بود که] وارد

- میدان جنگ می شود، تبدیل می شود به یک چهره‌ی ماندگار، یک ستاره‌ی درخشان که از حرفهای او بنده و امثال بنده و شما و همه باید استفاده کنیم، و استفاده می کنیم. هزاران جوان از این قبیل در میدان جنگ ساخته شدند. (۹۶/۱۲/۱۹)
۵. تنها راه مقابله با طراحی‌های فرهنگی بدخواهان، تولید فرهنگی و استفاده از ثروت غنی و سرچشمه‌ی قوی دوران دفاع مقدس در همه‌ی عرصه‌ها است. (۹۵/۱۲/۱۶)
۶. به هیچ وجه نباید گذاشت که دفاع مقدس و درس‌های آن به فراموشی سپرده شود. (۹۵/۱۲/۱۶)
۷. کسی که باور ندارد، وصیت‌نامه‌ها را نگاه کند؛ اینکه امام بزرگوار توصیه می کردند که پنجاه سال عبادت کردید خدا قبول کند، بروید یک بار هم این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید؛ این به خاطر این است که این وصیت‌نامه نشان می دهد که این جوان برای چه آمده؛ چه جاذبه‌ای، چه مغناطیسی او را حرکت داده؛ از هوسهای جوانی بگذرد، از درسش بگذرد، از دانشگاهش بگذرد، از محیط راحت زندگی کنار پدر و مادر بگذرد، بیاید در سرمای منطقه‌ی غرب یا گرمای منطقه‌ی خوزستان، آنجا با دشمن بجنگد و جانش را کف دستش بگیرد. جنگیدن با دشمن هم از دور یک چیز آسانی به نظر می آید؛ تا کسی نرود آنجا، صدای توپ و تفنگ و انفجار و مانند اینها را نبیند و نشنود، درست درک نمی کند که چه خبر است. (۹۵/۷/۵)
۸. در وصیت‌نامه‌های شهدا چقدر درباره‌ی حجاب توصیه شده؛ خب، حجاب یک حکم دینی است؛ این آرمان شهیدان فراموش نشود. (۹۵/۷/۵)
۹. پدر و مادرها اگر برای خاطر خدا نبود، اگر به امید لطف الهی و فیض الهی نبود، چطور حاضر می شدند اجازه بدهند جوانشان برود میدان جنگ؛ و بعد هم صبر کنند. (۹۵/۷/۵)



۱۰. بنده بارها به خانواده‌های شهداء، به پدر و مادرها این را عرض می کنم و می گویم این صبر شما [بود] که موجب شد این حرکت، این شعله مقاومت و مبارزه در راه حق فرو نخواست و از بین نرود؛ صبر پدر و مادرها بود و آلا اگر پدر و مادرها، وقتی

جوانشان رفت و شهید شد، آه و ناله و گریه و شکایت و دعوا [می کردند] و اینور و آنور [گله می کردند]، خب خانواده‌ی بعدی جوانشان را نمی فرستادند. (۹۵/۷/۵)

۱۱. این خانواده‌های شهدا بودند، این روحیه‌ها بود [که انقلاب را حفظ کرد]؛ روحیه‌ی ایثار، گذشت. (۹۵/۷/۵)

۱۲. فراموش نشود که ما آرمان شهیدان را که عبارت بود از خدا و اسلام و اسلام انقلاب و حکومت اسلامی و حاکمیت دین، از یاد ببریم و قضیه را عادی‌سازی کنیم؛ [یا بگوییم] مثل بقیه جنگهایی که بود؛ خب یک عده‌ای کشته می شدند، یک عده‌ای [زخمی یا اسیر]، در همه‌ی جنگها بالاخره یک عده جوان کشته می شوند! این جوری نبود قضیه. (۹۵/۷/۵)

کاروان های راهیان نور در کلام معظم رهبری:

۱۳. [کاروانهای راهیان نور در مناطق عملیاتی دفاع مقدس] توشه این سفر معنوی، تجربه آموزی، بصیرت و انوار الهی باشد. (۹۳/۱/۶)

۱۴. آنها (آمریکائیه) یک جنگ فرهنگی راه انداختند که دفاع مقدس فراموش شود. جمهوری اسلامی فناوری نرم راهیان نور را راه انداخت.

۱۵. من این سرزمین را یک سرزمین مقدس می دانم. این جا نقطه‌ای است که ملائکه‌ی الهی که شاهد فداکاری مخلصانه‌ی این شهدای عزیز بودند، به آن تبرک می جویند. این جا متعلق به هرکسی است که دلش برای اسلام و برای قرآن می تپد. این جا متعلق به همه‌ی ملت ایران است. دلهای همه‌ی ملت ایران، متوجه این نقطه، این بیابان و همه‌ی این مناطقی است که شاهد فداکاریهای جوانان بوده است. شما که این جا را گرامی می دارید، خوب می کنید. آمدن شما و احترام به این نقطه، بسیار بجا و بسیار کار صحیحی است. بنده هم خواستم به ارواح طیبه‌ی شهیدان و به نفسهای معطر جوانان مؤمن، تبرک بجویم و به این عزیزان احترام کنم؛ لذا آمدم در جمع شما شرکت کردم. (شلمچه، ۷۸/۱/۸)

۱۶. برای من مایه‌ی افتخار و سربلندی است که در این نقطه، در جمع شما راهیان نور و مجموعه‌ی عشاق دل‌باخته‌ی یاد شهیدان حضور داشته باشم. به همه‌ی برادران و خواهران عزیزی که در این منطقه سکونت دارند و همین‌طور به شما برادران و خواهران عزیزی که از نقاط مختلف کشور برای تکریم شهیدان به این نقطه آمده‌اید، سلام عرض می کنم. اگر این شهیدان عزیز نمی بودند و چنانچه این مردم مؤمن در این منطقه، سد راه دشمن نمی شدند، سرنوشت ایران عزیز و اسلامی چیز

دیگری می شد. امروز و فردا و فرداها این ملت و این کشور، مرهون فداکاری شهیدان عزیز است که این منطقه‌ی عظیم را با جسم و جان خود محافظت کردند، استقلال کشور را حفظ کردند و عزت این ملت را حفظ کردند. (دهلاویه، ۸۵/۱/۵)

۱۷. اجتماع عظیمی که در این نقطه‌ی برجسته‌ی تاریخی تشکیل شده است، نشانه‌ی بزرگی از قدرشناسی ملت ایران است. از اطراف کشور، مردان، زنان، پیران و جوانان به این نقطه و دیگر نقاطی که در تاریخ جنگ تحمیلی، نقاط برجسته و فراموش‌نشده‌ی بوده‌اند، شتافته‌اند و در حقیقت، یاد آن جوانان، رزمندگان، دلاوران و مؤمنانی را که کشور و تاریخ و ملت ما همواره مدیون آنهاست، گرمی داشته‌اند. البته لازم است با قلب و زبان از مردم عزیز که امروز از شهرهای دزفول، اندیمشک و شوش در این جلسه‌ی بزرگ شرکت کرده‌اند و همچنین از بقیه‌ی هم‌میهنان ایرانی‌مان که از سرتاسر نقاط کشور به این‌جا آمده‌اند، سپاسگزاری کنم. مکان هم پادگان دوکوهه است که **عاشوراییان زمان ما** - جوانان از جان گذشته و دلاور ما - در طی سالهای متمادی دفاع مقدس، در همین‌جا اجتماع کردند و در همین حال و هوا، عزم و تصمیم مردانه و مؤمنانه‌ی خود را بر دفاع از این کشور به مرحله‌ی عمل درآوردند. این پادگان و سرزمین، شاهد فداکاریها، اخلاصها، ایمانها و روحیه‌های ملامال از امواج صفا و طراوتی است که از جوانان مؤمن بسیجی و فداکار بروز کرده است. (دوکوهه، ۸۱/۱/۹)

۱۸. غرض از حضور در این مکان تاریخی و در جمع شما برادران و خواهران عزیز در درجه‌ی اول، احترام به روح رزمندگان و شهدای عزیز است که این سرزمین، شاهد دلاوریهای آنها و فداکاریهای آنها و حرکت عظیم آنها در روزهای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بوده است. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)



۱۹. در درجه‌ی بعد، اظهار سپاس و قدردانی از مردم عزیز خوزستان و برادران و خواهرانی است که در این منطقه در حساس‌ترین زمانها، در سخت‌ترین شرائط، یک امتحان موفق‌ی از خود نشان دادند. (منطقه فتح‌المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۲۰. دشمنان ملت ایران درباره‌ی مردم عزیز خوزستان چیز دیگری فکر میکردند، و چیز دیگری از آنچه که آنها فکر میکردند، پیش آمد. صف اول رزمندگان مبارز و دلاور، جوانهای فداکاری بودند که فرزندان این آب و خاک و پروریدگان این منطقه بودند: مردم عزیز خوزستان؛ زنهاشان، مردهاشان. من در دوران دفاع مقدس به بعضی از روستاهائی که زیر ستم دشمن بعثی قرار گرفته بود، رفتم و از نزدیک وضعیت آن مردم را، روحیه‌ی آنها را دیدم. آنها پیوستگیشان به ایران اسلامی و به ملت مبارز و قهرمان و به اسلام - که در ایران پرچم آن برافراشته شده بود - آن چنان بود که دشمنان بعثی نتوانسته بودند با وسوسه‌ی قومیت و همزبانی، این پیوند مستحکم را سست کنند. بنابراین حضور ما در این منطقه، از یک جهت قدردانی از مردم عزیز خوزستان است. (منطقه فتح‌المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۲۱. جنبه‌ی سوم، قدردانی از شما مسافرانی است که از نقاط دور و نزدیک کشور به این مناطق آمده‌اید، با قدمهای خودتان، با دل‌های خودتان، پیوستگی روحی خودتان را با آن جوانانی، با آن مردانی، با آن دلاورانی که این منطقه، شاهد فداکاری آنهاست، نشان دادید؛ چه در این منطقه - منطقه‌ی فتح‌المبین - چه در سایر مناطق خوزستان و چه در مناطق جنگی استانهای دیگر: مثل استان ایلام، استان کرمانشاه، استان کردستان. مردم، مردم کشور، این سنت بسیار ستودنی را از چند سال پیش در پیش گرفتند که بیایند این مناطق را سالیانه - بخصوص در چنین ایامی در اول سال - زیارت کنند. اینجا زیارتگاه است. (منطقه فتح‌المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۲۲. جوانهای عزیز! فرزندان عزیز من! که اغلب شما در آن روزها نبودید، آن روزهای سخت و تلخ را ندیدید؛ این دشت زیبا، این صحنه‌ی چشم‌نواز، این زمین حاصلخیز، در یک روزی زیر پای دشمنان شما بود؛ چکمه‌پوشان رژیم بعثی در همین سرزمینی که مال شماست، متعلق به شماست، آن چنان جهنمی بر پا کرده بودند که انسان از جهات مختلف تأسف میخورد، از جمله از این جهت که چطور این سرزمین زیبا و این طبیعت چشم‌نواز را تبدیل کرده بودند به یک آتش، به یک دوزخ. در ایام محنت جنگ، قبل از عملیات فتح‌المبین، بنده از این منطقه‌ی شمالی مشرف بر این دشت، این چشم‌انداز وسیع را دیده بودم؛ این خاطره از یاد من نمی رود که نیروهای دشمن در این سرزمین پهناور با چندین لشکر در اینجا متفرق بودند؛ زمین شما را، خاک شما را با چکمه‌های خودشان می کوبیدند و ملت ایران را تحقیر می کردند. آن کسی که کشور شما را نجات داد،

همین جوانهای فداکار و مبارز بودند؛ همین بسیج، همین ارتش، همین سپاه، همین رزمندگان فداکار، که امروز هم بازماندگان آنها در مناطق گوناگونی از کشور حضور دارند؛ بعضی از آنها هم به شهادت رسیده‌اند؛ «فمنهم من قضی نحبه و منهم من ينتظر و ما بدلوا تبديلا» [احزاب: ۲۳؛ «... برخی از آنان به شهادت رسیدند و برخی از آنها در [همین] انتظارند و هرگز عقیده‌ی خود را تبدیل نکردند.»] (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)



۲۳. عزیزان من! جوانانی که در این جلسه، در این صحرا حضور دارید و همه‌ی جوانان کشور! بدانید نسل جوان دوران دفاع مقدس توانست با فداکاری، با هوشمندی، با اراده و عزم راسخ، کشور را از دست دشمن نجات بدهد. دشمنان نظام جمهوری اسلامی هدفشان این بود که با جدا کردن یک بخش از میهن اسلامی، ملت ایران را تحقیر کنند؛ میخواستند قهاریت خودشان را به ملت ایران تحمیل کنند؛ میخواستند ملت را ذلیل کنند و خود را مسلط بر جان و مال و ناموس ملت‌مان قرار بدهند. کی نگذاشت؟ جوان رزمنده‌ی فداکار، آن عزم راسخ، آن ایمان قوی، جلو دشمن با همه‌ی حجم انبوهش ایستاد. آمریکا به دشمن ما کمک میکرد؛ شوروی آن روز کمک میکرد؛ کشورهای اروپائیی که امروز دم از حقوق بشر میزنند، آن روز به این دشمن خبیث کمک میکردند، برای اینکه بکشد، نابود کند، زمین و اهل زمین را به آتش بکشد. او هم بی‌محابا این کار را میکرد؛ اما جوانان شما، جوانان این ملت نگذاشتند. در همین دشت عباس، در همین دشت وسیع، در این منطقه‌ی طولانی، با جان خودشان آمدند توی میدان، با عزم راسخ خودشان دشمن را مغلوب کردند، منکوب کردند، ذلیل کردند و توطئه‌ای را که همه‌ی قدرتهای استکباری شریک بودند و سهیم بودند و دخیل بودند در اجرای آن، خنثی کردند. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)



۲۴. جوانهای عزیز! همیشه همین طور است؛ همیشه عزم راسخ شما، هوشمندی و بصیرت شما، ایستادگی و قاطعیت و شجاعت شما می تواند همه ی دشمنان را هرچند بظاهر بزرگ و نیرومند باشند، به شکست بکشاند. امروز هم همین جور است؛ فردا هم همین جور است. ملت ایران اگر بخواهد به اوج سعادت دنیا و آخرت برسد - که می خواهد و ان شاءالله خواهد رسید - راهش عبارت است از شجاعت، بصیرت، تدبیر، عزم راسخ، اراده ی مستحکم از سوی زن و مرد؛ و همه ی اینها متکی بر ایمان، ایمان اسلامی. آن چیزی که ضامن این عزم و همت راسخ در رزمندگان ما بود، ایمان قلبیشان بود. دین را، خدا را، قیامت را، مسئولیت انسانی در مقابل خدا را باور داشتند؛ این باور در هر ملتی، در هر جامعه ای وجود داشته باشد، او را آسیب ناپذیر می کند؛ می توانند مقاومت کنند. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

۲۵. برادران و خواهران عزیز! امروز ما از روزهای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس بمراتب جلوتریم، بمراتب قویتریم، بمراتب نفوذ ملت ایران در دنیای اسلام گسترده تر است؛ امروز ما تواناتریم. ملت ایران این توانائی را به برکت ایستادگیها به دست آورده. امروز هم توطئه زیاد است؛ لکن ملت ایران با ایستادگی خود، به توطئه ی دشمن پوزخند می زند و راه خود را با استواری طی می کند. آنچه مهم است این است که ملت ایران این مقطع تاریخی حساس - مقطع دفاع مقدس - را هرگز فراموش نکند و سالهای پرمحنت، ولی پرافتخار دوران جنگ تحمیلی را هرگز از یاد نبرد. این آمدنها، این اظهار ارادتها، این یادبود گرفتنها، کمک میکند به اینکه این یادها در ذهنها زنده بماند. من از این حرکت راهیان نور - که چند سال است بحمدالله روزبه روز هم در کشور توسعه پیدا کرده - بسیار خرسندم و این حرکت را حرکت بسیار بابرکتی میدانم. و معتقدم این مقطع حساس

برای ما یک تجربه است. شما جوانهای امروز اگر آن روز هم بودید، توی این میدان، با عزم راسخ حاضر می شدید. امروز هم در میدان علم، میدان سیاست، میدان تلاش و کار، میدان همبستگی ملی و میدان بصیرت، شما جوانها پایمردی خودتان را نشان دادید، ایستادگی خودتان را اثبات کردید. گاهی اوقات جنگ نظامی آسانتر از جنگ فکری است؛ آسانتر از جنگ در عرصه های سیاسی است. ملت ایران نشان داد که در جنگ عرصه های سیاسی و امنیتی، بصیرتش و ایستادگیاش از ایستادگی در جنگ نظامی کمتر نیست. لذا جوانهای ما بحمدالله جوانهای لایق، ساخته و پرداخته ای هستند که باید به این مقدار هم اکتفا نکنند؛ همت مضاعف، کار مضاعف. همتتان را بلند کنید. ملت ایران باید عقب افتادگیهای دورانه های طولانی استبداد در این کشور و دخالت خارجی و نفوذ خارجی را جبران کند. بنده اطمینان راسخ دارم به اینکه جوان امروز کشور عزیز ما در سطح عالم، کم نظیر یا بی نظیر است. و این، نوید آینده ی کشور است. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)



۲۶. ان شاء الله شما جوانها آن روزی را خواهید دید که کشورتان از لحاظ علمی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی، از لحاظ نفوذ بین المللی، در سطحی باشد که شایسته ی ایران اسلامی و شایسته ی ملت بزرگ ایران است. امیدواریم ان شاء الله دعای حضرت بقیة الله (اروحنافداه) شامل حالتان باشد، ارواح مطهر شهدای عزیز، شهدای جنگ تحمیلی و دفاع مقدس و بخصوص شهدای منطقه ی فتح المبین ان شاء الله مشمول الطاف الهی باشند و از همه ی ما راضی باشند و روح مطهر امام بزرگوار ان شاء الله از همه ی ما راضی و خشنود باشد. (منطقه فتح المبین، ۸۹/۱/۱۱)

دیدگاه فرمانده مخلص لشکر محمدرسول الله شهید همت: برای این که خدا، لطف اش، رحمت اش، و آمرزش اش شامل حال ما بشود، باید اخلاص داشته باشیم. و برای این که ما اخلاص داشته باشیم، لازمه اش سرمایه گذاشتن از خودمان است؛ به این معنا که باید از همه چیزمان بگذریم. و برای این که قادر باشیم از همه چیزمان بگذریم، باید شبانه روز، دل مان و وجودمان و

همه فکر و ذکرمان با خدا باشد. باید آنقدر پاک باشیم که خدا، کلاً از ما راضی باشد. اگر قدمی برمی داریم، برای رضای خدا [باشد]. قلم بر روی کاغذ می گذاریم، برای رضای خدا [باشد]، حرف می زنیم، برای رضای خدا [باشد]، شعار می دهیم برای رضای خدا [باشد]، می جنگیم برای رضای خدا [باشد]، همه چی، همه چی خاص خدا باشد؛ که اگر این چنین شد، پیروزی در این امور به دست می آید. اگر این چنین بشویم، چه بکشیم و چه کشته شویم، پیروزیم و هیچ ناراحتی ای نداریم و شکست برای ما، معنا ندارد. (به روایت همّت، ص ۳۹۵-۳۹۶)

امام زاده عباس(ع)



دشت عباس در مسیر دهلران - اندیمشک و در غرب عین خوش قرار دارد. این دشت منطقه وسیعی از غرب رودخانه کرخه تا حوالی سه راهی ابوغریب بوده و به دلیل وجود مدفن امام زاده عباس از نوادگان حضرت عباس(ع)، بدین نام معروف شده است. ارتش عراق پس از اشغال عین خوش به سوی دشت عباس حرکت کرد و تیپ ۴۲ لشگر ۱۰ زرهی عراق در ۱۳۵۹/۷/۴ در دشت عباس مستقر شد. دشت عباس حدود ۱۸ ماه اشغال ماند، رزمندگان اسلام به ویژه گردان انصار لشگر ۲۷ محمد رسول ا... (ص) به فرماندهی شهید اسماعیل قهرمانی در عملیات « فتح المبین » نبرد سختی در اطراف امام زاده عباس داشتند که موفق شدند بسیاری از تانک ها و نفر برهای دشمن بعثی را منهدم و اراضی اطراف مرقد امام زاده را آزاد کنند. در سال ۱۳۶۴، شش شهید گمنام عملیات « فتح المبین » توسط رزمندگان لشگر ۵۸ ذوالفقار ارتش کشف و در قبرستان کنار امام زاده به خاک سپرده شدند. این شهداء زیارتگاه اهالی منطقه و زائران راهیان نور می باشند.

پادگان دوکوهه

دوکوهه نام منطقه و پادگانی است که در ۴ کیلومتری شمال غربی شهر اندیمشک و در مجاورت جاده ترانزیت اندیمشک -

خرم آباد و خطوط ریلی تهران - خرمشهر قرار دارد. پادگان دو کوهه قبل از انقلاب یک پادگان پشتیبانی برای لشگرهای زرهی بوده و مقرهای نظامی جنوب غربی کشور را پوشش می داده است.



در دهه ۶۰ در اختیار تیپ محمد رسول... (ص) به فرماندهی جاوید الاثر حاج احمد متوسلیان قرار گرفت. این پادگان عقبه یگان های عمل کننده در عملیات های جنوبی کشور می باشد. تیپ های: ۷ ولی عصر (عج)، ۱۴ امام حسین (ع)، محمد رسول الله (ص)، ۱۷ علی بن ابیطالب (ع)، ۱۰ حضرت سیدالشهداء و ۸ نجف اشرف در پادگان دو کوهه مستقر شدند.



امروز نام زیبای سردار بی نشان حاج احمد متوسلیان بر تارک دو کوهه می درخشد، حسینیه اش هنوز بوی عطر یاران آخر الزمانی امام حسین (ع) را دارد و صدای همت که تو را به اخلاص می خواند از آن به گوش می رسد. حسینیه گردان تخریب و

قبرهای خالی محل مناجات و استغاثه، یاد آور اخلاص تخریب چی هاست. در دو کوهه مردانی آسمانی همچون متوسلیان، شهبازی، همت، چراغی، کریمی، دستواره، وزوایی، موحد دانش، مهتدی، سعید سلیمانی و بسیاری دیگر از یاران امام روح ا... زیسته اند. طرفین حسینیه شهید همت دو کوهه شهدای گمنام آرمیده اند که زیارتگاه زائران راهیان سرزمین نور شده اند.

فرازهایی از اندیشه سید شهیدان اهل قلم، شهید آوینی درباره دوکوهه:

« یک بار دیگر، سلام دوکوهه. دوکوهه، تو یک پادگان نیستی، تو قطعه ای از خاک کربلایی، چرا که یاران عاشورایی سیدالشهدا را به قافله او رسانده ای. دوکوهه در باطن تو هنوز راز این روزهای سپری شده باقی است، می دانم؛ اما دیگر خاک تو قدمگاه این کربلاییان آخرالزمان نیست. بعضی ها ما را سرزنش می کنند که چرا دم از کربلا می زنید و از عاشورا. آنها نمی دانند که برای ما کربلا بیش از آن که یک شهر باشد، یک افق است، یک منظر معنوی است که آن را به تعداد شهیدایمان فتح کرده ایم؛ نه یک بار و نه دو بار، به تعداد شهیدایمان. دوکوهه تو خوب می فهمی که من چه می گویم.



تو با حاج همت، با حاج عباس کریمی، با چراغی، با دستواره، با اسکندری، علیرضا نوری، وزوایی، ورامینی، رستگار، موحد دانش، حاج مجید رمضان، صالحی، حاجی پور و صدها شهید دیگر انس داشته ای. تو که بوسه بر پای بسیجی ها زده ای، تو که با زمزمه شبانه آنها آشنا بوده ای، تو که نجوهای عاشقانه آنها را شنیده ای تو که معنای انسان را دریافته ای، تو خوب می دانی که ما چه می گوئیم. آری تو دیگر در جست و جوی انسان نیستی؛ تو یافتی آنچه را که یافت نمی شود. روز اول سال ۶۸، پادگان دوکوهه کمی تسکین یافته است. عده ای از دوستانش آمده اند تا گمشده خویش را در آنجا بجویند. در و دیوار، ساختمان ها و راهروها بر سر جای خویش باقی است و اگر کسی نداند، می پندارد که دوکوهه همه چیز را از یاد برده است. درها قفل است و آنها می کوشند

تا از هر راه که هست، یک بار دیگر خود را به فضای مألوف خویش برسانند. اما گم گشته در آنجا هم نیست. عالم محضر شهداست، اما کو محرمی که این حضور را دریابد و در برابر این خلأ ظاهری خود را نبازد؟ زمان می گذرد و مکان ها فرو می شکند، اما حقایق باقی هستند. شهید حاجی پور زنده است، من و تو مرده ایم. شهداء صدق و استقامت خویش را در آن عهد ازلی که با خدا بسته بودند اثبات کردند. کاش ما در خیل منتظران شهادت باشیم. یادآوران در جست و جوی گمگشته خویش به اردوگاه کرخه می روند. شعرشان اگر چه بس مغموم می نماید، اما شعر مستی است. آنان را که می خواهند با نظر روانکاوانه در این سرمستان میکده عشق بنگرند هشدار باد که مبدا نشانی از یأس در آنان بجویند. یأس از جنود شیطان است و اینان وارسته اند از آن جهانی که در سیطره شیاطین است. کرخه خرابات است و اینان خراباتیانند و گریه، آبی است بر دل های سوخته شان. گریه اوج سرمستی است و اگر امروز روزگار فاش گفتن اسرار است، بگذار اینان نیز فاش بگریند.



امام کو که به تماشای رهروان خویش بنشیند؟ آری، ما از این موهبت برخوردار بودیم که انسان دیدیم. ما یافتیم آنچه را که دیگران نیافتند. ما همه افق های معنوی انسانیت را در شهداء تجربه کردیم. ما ایثار را دیدیم که چگونه تمثیل می یابد. عشق را هم، امید را هم، زهد را هم، شجاعت را هم، کرامت را هم، عزت را هم، شوق را هم و همه آنچه را که دیگران جز در مقام لفظ نشنیده اند، ما به چشم دیده ایم. ما دیدیم که چگونه کرامات انسانی در عرصه مبارزه، به فعلیت می رسند. ما معنای جهاد اصغر و اکبر را درک کردیم. آنچه را که عرفای دلسوخته حتی بر سردار نیافتند، ما در شب های عملیات آزمودیم. ما فرشتگان را دیدیم که چه سان، عروج و نزول دارند. ما عرش را دیدیم. ما زمزمه جویبارهای بهشت را شنیدیم. از مائده های بهشتی تناول کردیم و بر سرفره حضرت ابراهیم نشستیم. ما در رکاب امام حسین(ع) جنگیدیم. ما بی وفایی کوفیان را جبران کردیم. ... و پادگان دوکوهه بر این همه شهادت خواهد داد. پادگان دوکوهه آخرین بار در عملیات مرصاد بود که به پیمان خویش وفا کرد. یک بار دیگر دوکوهه همه چهره های آشنا را دید و همه عطرها را شنید و با همه آنچه دوست می داشت وداع کرد. دوکوهه، با تو

هستم: آیا می دانستی که این آخرین وداع است؟ منافقین می پنداشتند که آن عهد را که تو بر آن شاهد بوده ای فراموش کرده ایم، اما تو می دانی که این چنین نبود. همه دانستند. دوکوهه، آیا بر قدم همه عزیزانت بوسه زدی؟ آیا سعی کردی که همه آن لحظات را به یاد بسپاری؟ سعید را به خاطر داری که چه می خواند؟ برای امام می خواند، برای آن که عاشقانه زیستن را به ما آموخت، برای آن که به ما آموخت حقیقت عرفان را که مبارزه است، برای آن کسی که ما همه تاریخ انبیاء را در وجود او تجربه کردیم. خداحافظ دوکوهه. ما می دانیم که تو از گواهان روز حشری و بر آنچه ما بوده ایم شهادت خواهی داد. تو ما را می شناخته ای و رازدار خلوت ما بوده ای؛ روزها و شب ها، در حسینیه، در اتاق ها، در راهروها و در زمین صبحگاهت. این همه مغموم نباش دوکوهه. امام رفت، اما راه او باقی است. دیر نیست آن روز که روح تو عالم را تسخیر کند و نام تو و خاک تو و پرچم هایت مظهر عدالت خواهی شوند. دوکوهه، آیا دوست داری که پادگان یاران امام مهدی نیز باشی؟ پس منتظر باش.

یادمان شهدای گمنام اندیمشک



اندیمشک در شمال استان خوزستان، واقع شده و از نظر نظامی اهمیت خاصی دارد. طولانی ترین بمباران تاریخ ایران نیز در ۴ آذر ماه ۱۳۶۵ در این منطقه صورت گرفت و شهر اندیمشک، ایستگاه راه آهن و حومه آن توسط ۵۴ فروند از هواپیماهای دشمن بمباران شد و بیش از ۳۰۰ نفر شهید و حدود ۷۰۰ نفر مجروح شدند. اندیمشک در دوران دفاع مقدس ۱۰۰۰ شهید تقدیم اسلام نمودند. مردم خون گرم اندیمشک میزبان رزمندگان از نقاط مختلف ایران اسلامی بوده است و همچون مادری آن ها را در آغوش می گرفت. معراج شهدای عملیات «فتح المبین» در این شهر قرار داشت. در تاریخ ۱۳/۱۲/۱۳۸۱، پیکرهای مطهر ۵ شهید گمنام در ورودی جنوبی شهر دفن شدند و بر نورانیت این شهر افزودند.

دزفول

دزفول در شمال استان خوزستان قرار گرفته است. این شهر در دوران دفاع مقدس ۱۶۹ مرتبه مورد حمله موشکی قرار

گرفت. مردم دلیر و خون گرم دزفول ۲۶۰۰ شهید تقدیم اسلام نمودند.



این شهر پس از جنگ به پاس مقاومت هایشان، به عنوان شهر نمونه انتخاب شد. پایگاه شکاری وحدتی، شاهد حضور مردان بزرگ، چون: شهیدان عباس بابایی و حسین لشگری که از افتخارات نیروی هوایی و ملت ایران می باشند.



این پایگاه در سال ۱۳۸۹ به یاد مردان آسمانی خود مفتخر به خاکسپاری یک شهید گمنام گردید. بقعه امامزاده سبز قبا فرزند امام موسی کاظم (ع)، در کنار پل دزفول قرار گرفته و در سالهای دفاع مقدس، محل برگزاری نماز و مناجات و میعادگاه رزمندگان اسلام بوده است.

شهرستان شوش و دانیال نبی (ع)



شهرستان **شوش** بعد از طی مسافت ۳۵ کیلومتر از اندیمشک به سمت اهواز قرار دارد. با حمله رژیم بعثی به میهن اسلامی مان در ۱۳۵۹/۶/۳۱ و پیشروی دشمن تا غرب کرخه، شوش مورد حملات هوایی و توپخانه ای قرار داشت. رزمندگان اسلام از این شهر به عنوان عقبه جبهه استفاده می کردند.



شوش به دلیل بمباران و حملات توپخانه ای دشمن در طول ۱۸ ماه خسارات فراوانی دید و منازل و اماکن این شهر، از جمله بخشی از مقبره دانیال نبی(ع) تخریب گردید.



حرم مطهر دانیال نبی(ع) در کنار رود شاور و در مرکز شهر قرار دارد. این شهر، با عملیات فتح المبین از تیررس مستقیم متجاوزان خارج گردید. در دوران دفاع مقدس مزار حضرت دانیال(ع) محل برگزاری دعا، مناجات و زیارتگاه رزمندگان اسلام بوده است. تعبیر خواب دانیال نبی(ع) در بازار می باشد.

امام علی(ع) درباره دانیال نبی(ع)، می فرماید: « هرکس برادر دانیال نبی(ع) را زیارت کند، گویی مرا زیارت کرده است.»



یادمان شهدای فتح المبین

در شمال غربی شوش و در غرب رودخانه کرخه؛ دشت فتح المبین قرار دارد که یادآور حماسه و عملیات پیروزمندانه فتح المبین و شهدای والامقام این منطقه می باشد. این عملیات در تاریخ ۱۳۶۱/۱/۲ با رمز مقدس یا زهراء(س) و فرماندهی مشترک ارتش و سپاه در این منطقه انجام شد. یادمان شهدای فتح المبین با ۸ شهید گمنام در ۵ کیلومتری شهرستان شوش دانیال(ع) واقع شده است. دشمن بعثی در روزهای اول جنگ تا پشت رودخانه کرخه پیشروی کرد و بر شهر شوش و جاده اندیمشک - اهواز مسلط شد.



رزمندگان اسلام در این جبهه یک خط دفاعی شکل داده و عملیات امام مهدی (عج) را در روزهای پایانی سال ۱۳۶۰ طرح ریزی و با فرماندهی شهید مجید بقایی به اجرا در آوردند. این رزمندگان که قصد رخنه به سنگرهای دشمن در شیارهای المهدی، شیخی و شلیکا را داشتند که با سنگرهای کمین دشمن درگیر شدند که منجر به شهادت تعدادی از رزمندگان گردید. سایت های ۴ و ۵ رادار، در ۱۸ کیلومتری غرب شهر شوش و در دامنه ارتفاعات ابوصلیبی خات قرار دارد. با اشغال غرب شوش این منطقه به اشغال نیروهای بعثی درآمد. صدامیان برای حملات موشکی و توپخانه به شهرهای شمال خوزستان از این سایت ها استفاده می کردند. رزمندگان اسلام برای آزاد سازی این سایت ها در عملیات فتح المبین، نبرد جانانه ای انجام داده و با مقاومت جانانه نیروهای دشمن را درهم شکستند. بعد از موفقیت آمیز بودن این عملیات، تعدادی از فرماندهان ارشد عراق که در منطقه فتح المبین عقب نشینی کرده بودند به دستور صدام، اعدام یا زندانی شدند.

پادگان شهید شفیع خانی

شفیع خانی پادگانی در نزدیکی دوکوهه نام آشنای همه لرستان است. ردپای اکثر شهیدان لرستان را می توانی در

پادگان شفیع خانی پیدا کنی. شفیع خانی، قطعه ای از خاک کربلا است، چرا که قدمگاه بسیاری از شهداست، چرا که باید از اینجا محرم می شدند و به معیادگاه شهادت می رفتند.

شهید محمد شفیع خانی از دانشجویان مخلص تهرانی بود که برای اجرای طرح خدماتی بهداشتی به همراه همسرش به خرم آباد سفر کرد. ایشان مدتی در این شهر خدمت کرد و سپس جذب سپاه پاسداران گردید. بعد از مدتی مسئول ستاد لشکر ۵۷ لرستان (لشکر ۵۷ حضرت ابوالفضل(ع)) شد. سرانجام در عملیات «والفجر ۶» (محور جاده سوبله به چذابه به تصرف نیروهای اسلام درآمد.) به یاران شهیدش پیوست. نام زیبای شهید شفیع خانی به نام پادگان بچه های لرستان قرار گرفت و تا آخر جنگ این پادگان، برای آموزش های نظامی، مبارزه با نفس، آمادگی قبل از عملیات، و سکوی عروج، بهره برداری می گردید.



در پادگان شفیع خانی، هر شهر در قسمتی برای خود چادرهایی نصب کرده بود. گوشه به گوشه پادگان، خاطرات زیادی را در سینه رزمندگان اسلام به جای گذاشته است. چشم بسیجی، هنوز آنقدر معرفت دارد که وقتی از دور، چشمش به سوله های شفیع خانی می افتد، بغضش می ترکد. هنوز خانواده های ایثارگرانی به قصد زیارت شلمچه، ابتدا به میعادگاه شهیدان، شفیع خانی می روند. معنویت حضور شهیدان در شفیع خانی قادر است که به فرزندان ما راه و رسم ادب و جوانمردی، بصیرت، ایثار، شهادت، بزرگی و مطیع امر ولایت را بیاموزد. چرا که هنوز بوی تکبیر و صلوات و صدای رژه لشکریان جندالله در آنجا به گوش می رسد.

قتلگاه فکه

« کانال کمیل و حنظله »



منطقه فکه از شمال غرب با مسافت حدوداً ۷۳ کیلومتر از شوش دانیال (ع) و منطقه چنانه واقع شده و از غرب به خط مرزی و از جنوب به تنگه چذابه و بستان محدود می شود. منطقه فکه رملی و سرزمین شن های روان است. فکه منطقه ای است با تپه ماهورهای فراوان، یکی از محورهای اصلی تجاوز و حمله ارتش بعث عراق به شمال خوزستان بوده است. در سال ۱۳۵۹، دشمن با مهندسان فرانسوی کانال به طول ۹۰ کیلومتر و عرض ۵ متر و ارتفاع ۴ متر کاملاً حرفه ای و مهندسی شده حفر شد.

«به نام خدای شهیدان» «بازدید با معرفت از یادمان های دفاع مقدس در جنوب کشور»، «دوره آموزشی مدرسه عشق - سطح ۱»، حوزه بسیج، ویرایش دوم، شهریور ۹۹

در عملیات و الفجر مقدماتی (۶۱/۱۱/۱۸)، رزمندگان اسلام پس از نبردی سخت در محاصره دشمن افتادند. معبر کمیل در زمستان ۱۳۶۱ در منطقه فکه شاهد شهادت دو گردان از لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) بود، دو گردان مظلوم به نام های کمیل و حنظله (ع)، دو گردان از جنس افلاکیان، که سیصد نفر از آنها در محاصره بودند و از تشنگی و عطش شهید شدند. دو گردانی که کانال های فکه را برای همیشه به نام معبر و کانال کمیل، جاودانه کردند.



این منطقه مزین به خون شهدای عملیات های والفجر مقدماتی و والفجر یک، بچه های گردانهای کمیل و حنظله (ع) و سرداران شهید؛ حسن باقری، مجید بقایی، ابراهیم هادی، یاری نسب، سید شهیدان اهل قلم سید مرتضی آوینی و محمودوند می باشد.



در سال ۱۳۷۱ پیکر مطهر ۱۲۰ شهید در قتلگاه فکه توسط گروه تفحص شناسایی شدند. شهید سید مرتضی آوینی در سال ۱۳۷۲ و نیز سردار شهید علی محمودوند فرمانده گروه تفحص لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) در روز عید قربان ۱۳۷۹ در این منطقه هنگام جستجوی پیکرهای شهداء به شهادت رسیدند.



یادمان شهدای تنگه چذابه



تنگه چذابه منطقه ای است در شمال غربی شهر بستان که به علت قرار گیری در بین و هورالهویزه و تپه های رملی یک گلوگاه استراتژیک بوده و به دلیل قرار گرفتن در مسیر شهرهای بستان و سوسنگرد از موقعیت ویژه ای برخوردار است. دو جاده نظامی در دو سوی آن قرار دارد، جاده ای در خاک ایران که چذابه را به فکه متصل می کند و جاده دیگری که به شهر العماره عراق متصل می شود، دهانه این تنگه ۱/۵ کیلومتر می باشد و لذا از جنبه نظامی بسیار مهم و استراتژیک می باشد. تنگه چذابه یکی از محورهای اصلی هجوم ارتش عراق در ابتدای جنگ به خوزستان بود. دشمن سرانجام در روز ۱۳۵۹/۷/۳ با عبور از چذابه به طرف تپه های الله اکبر و بستان پیشروی کرد. از آن زمان چذابه در اشغال بود تا اینکه در ۱۳۶۰/۹/۸ در جریان عملیات طریق القدس آزاد شد.

شهر بستان



شهر بستان در ۳۰ کیلومتری شمال غربی سوسنگرد و در جنوب رودخانه کرخه قرار دارد. با شروع جنگ نیروهای بعثی پس از تصرف پاسگاه سوبله و عبور از تنگه چذابه ، در ۱۳۵۹/۷/۴ این شهر را اشغال کردند. اما پس از عملیات « غیور اصل » و پیش روی نیروهای خودی به سوی مرز ، در ۱۳۵۹/۷/۱۰ بستان آزاد شد. یک هفته بعد هجوم مجدد دشمن برای تصرف بستان آغاز گردید و پس از چهار روز برای بار دوم اشغال شد تا اینکه در عملیات طریق القدس در دهم آذر ماه ۱۳۶۰ بستان برای همیشه به دست رزمندگان اسلام آزاد شد و به آغوش میهن اسلامی بازگشت.

یادمان شهدای دهلاویه

دهلاویه روستایی است در شمال غربی سوسنگرد که در روزهای اول جنگ مورد تهاجم رژیم بعث قرار گرفت. مدافعان

دهلاویه ده روز سرسختانه در برابر دشمن مقاومت کردند تا اینکه در ۱۳۵۹/۸/۲۴ توان مقاومت بر ایشان نماند و دشمن با



اشغال دهلاویه خود را به سوسنگرد رساند. عملیاتی در تاریخ ۱۳۶۰/۳/۲۶ توسط نیروهای دکتر چمران با فرماندهی شهید رستمی، انجام گرفت که منجر به آزادسازی روستای دهلاویه گردید، که مجدداً به اشغال دشمن درآمد. هنگام مراجعت دکتر چمران (وزیر دفاع و نماینده مجلس) به دهلاویه برای معرفی فرمانده جدید، در این منطقه بر اثر اصابت گلوله خمپاره به شدت مجروح شد و در مسیر اهواز به شهادت رسید. در طی عملیات های رزمندگان، ستاد جنگ های نامنظم به فرماندهی شهید دکتر چمران، تلاش هایی برای آزادی مناطق اشغال شده انجام دادند و سرانجام دهلاویه در ۱۳۶۰/۶/۲۷ طی عملیات «شهید آیت الله مدنی» (اولین شهید محراب در تبریز) آزاد گردید. بنای یادمان شهید چمران در سال ۷۴ به دست آزاده مجاهد شهید حجت الاسلام سید علی اکبر ابو ترابی (یکی از یاران شهید چمران) افتتاح گردید و در سال ۱۳۸۴ پیکر مطهر یک شهید گمنام در محوطه مرکزی آن به خاک سپرده شد. در فروردین ۱۳۸۵ رهبر معظم انقلاب اسلامی در این یادمان با مردم منطقه و زائران راهیان نور دیدار و برای ایشان سخنرانی کردند.

آزاد سازی سوسنگرد

سوسنگرد در شمال غرب اهواز قرار دارد. با حمله عراق در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، عراقی ها با پیشروی در محور



بستان - سوسنگرد این شهر را از سمت غرب مورد تهدید قرار دادند و در ۶ مهر ماه، بعد از شکستن مقاومت مردمی، آن را اشغال کرده و اداره شهر را به گروه ضد انقلاب «جبهه التحرير» می سپارد.



چند روز بعد رزمندگانی از سپاه اهواز به فرماندهی « علی غیور اصل » شهر را آزاد کردند. ارتش عراق مجدداً از تاریخ ۱۳۵۹/۷/۱۷ لغایت ۱۳۵۹/۸/۲۴ سوسنگرد را محاصره کرده و وارد آن شدند، اما مقاومت تعدادی از مدافعان مانع از سقوط شهر شد تا آنکه ۲ روز بعد رزمندگان ارتش، سپاه و بسیج مردمی به کمک محاصره شدگان آمدند و شهر را حفظ کردند.



✓ **یادمان مقاومت مردمی:** در منطقه خزعلیه سوسنگرد، مزار یکی از شهدای ژاندارمری به نام سید محمد رضا سبحانی از اهالی بومی سوسنگرد قرار دارد. شهید سبحانی هنگامی که نیروهای بعثی عراق قصد عبور از کرخه و محاصره سوسنگرد را در منطقه خزعلیه داشتند، با عده ای از اهالی سوسنگرد در مقابلشان مقاومت کرده و در نهایت زخمی شده و به دست بعثی ها اسیر و پس از شکنجه به شهادت می رسد. مزار مطهر این شهید به عنوان نماد مقاومت مردمی سوسنگرد زیارتگاه عشاق گردیده است.

✓ **تپه های الله اکبر:** این تپه ها در شمال سوسنگرد و بعد از ارتفاعات میشداغ، بلندترین ارتفاعات در منطقه هستند. دشمن بعثی پس از عبور از محور چذابه، و اشغال بستان و سوسنگرد، این ارتفاعات را هم به اشغال خود در آورد. پس از آزاد سازی سوسنگرد توسط رزمندگان اسلام، دشمن مواضع و نیروهای خود را در این ارتفاعات افزایش داد. ارتفاعات الله اکبر در

عملیات امام علی(ع) در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۳۱ توسط رزمندگان اسلام آزاد شد. سید آزادگان شهید ابوترابی در آذر ماه ۵۹ در این منطقه به دست نیروهای دشمن اسیر گردید.

هویزه



هویزه در جنوب غربی سوسنگرد قرار دارد. هویزه شهر دشت آزادگان بود، که به اشغال ارتش عراق در آمد. از جمله حوادث مهم شهر هویزه، شهادت «حامد جرقی» بخشدار هویزه است که در روزهای اول جنگ توسط دشمن بعثی اتفاق می افتد. همچنین مقاومت مردم هویزه در برابر نیروهای بعثی دشمن به خاطر به شهادت رساندن «سهم خیام» دختر نوجوانی است که در برابر نیروهای متجاوز با شهامت ایستادگی کرد. نیروهای عراقی با شهادت دانشجویان پیرو خط امام، محاصره هویزه را تشدید و در ۱۳۵۹/۱۰/۲۷ آن را اشغال و شهر را کاملاً تخریب نمودند. شهر هویزه در تاریخ ۱۳۶۱/۲/۱۸ در مرحله دوم عملیات بیت المقدس، آزاد گردید.

یادمان شهدای هویزه

عملیات هویزه در ۵۹/۱۰/۱۵ رزمندگان از این منطقه نفوذ کردند و به محل استقرار دشمن در جنوب کرخه هجوم



بردند و ۸۰۰ نیروی عراقی را اسیر کردند که این تعداد تا آن روز جنگ، بی سابقه بود.

با شروع پاتک های دشمن، ۶۸ نفر از بسیجیان داوطلب و دانشجویان پیرو خط امام و فرمانده سپاه هویزه سید حسین علم الهدی، تعدادی از پاسداران در تاریخ ۱۳۵۹/۱۰/۱۶ در محاصره دشمن قرار گرفتند که در یک عملیات عاشورایی پس از درگیری با یک ستون تانک عراقی مظلومانه به شهادت رسیدند.



۱۶ ماه بعد در اردیبهشت ۱۳۶۱ در جریان آزادسازی این منطقه در عملیات بیت المقدس (آزادسازی خرمشهر با رمز علی بن ابیطالب (ع))، پیکرهای مطهرشان کشف گردید و در همان محل دفن شدند و بقعه ای توسط جهاد سازندگی بنا گردید، این مزار در ۲۵ کیلومتری شهر هویزه واقع شده است. یادمان شهدای هویزه میزبان رانان راهیان نور می باشد.

اهواز و آرامگاه علی بن مهزیار اهوازی



اهواز، مرکز استان خوزستان و مهم ترین شهر آن است. ارتش عراق برای اشغال سه روزه استان خوزستان، هدف اصلی و تلاش خود را تصرف اهواز قرار داده بود. دشمن طی دو روز خود را از جنوب به نزدیکی اهواز رساند. احساس نگرانی از سقوط اهواز و سخن تکان دهنده امام (ره) که: «مگر جوانان اهواز مرده اند؟» موجب شبیخون جوانان اهواز به قوای دشمن و انهدام آنها شد. در روزهای پایانی جنگ نیز نبرد بزرگی در این منطقه در گرفت و در حالی که دشمن با انبوهی از لشگرهای خود به منطقه اهواز و خرمشهر هجوم کرد این منطقه را در معرض سقوط قرار داد. پیام هشدار دهنده امام، همت سپاه و نیروهای مردمی را برانگیخت و دشمن تا مرز، تعقیب شد.

زیارتگاه علی بن مهزیار: علی بن مهزیار اهوازی یکی از یاران امام حسن عسگری (ع) بوده که پس از شهادت امام، به شوق زیارت حضرت مهدی (عج) بیست بار به مکه مکرمه سفر کرد و در سفر آخر به زیارت حضرت مهدی (عج) نائل آمد. این زیارتگاه محل برگزاری نماز جماعت و مناجات رزمندگان در دوران دفاع مقدس بود. **معراج شهداء**: مقر اصلی کمیته جستجوی مفقودین

در جنوب که به نام پادگان شهید علی محمودوند نام گرفته است که معراج شهدای تازه تفحص شده می باشد و زائران راهیان نور برای توسل به ارواح طیبه شهداء و تبرک جستن از پیکر مطهرشان در این معراج حضور پیدا می کنند.

پادگان گلف (منتظران شهادت)

ستاد عملیات جنوب در گلف اهواز یا پایگاه منتظران شهادت: در دوران دفاع مقدس به عنوان مرکز فرماندهی جنگ، محورهای عملیاتی خوزستان را اداره و مدیریت می کرد. این ستاد در سال ۱۳۵۹ فعال شد تشکیل اتاق جنگ و فعال شدن اطلاعات و عملیات، اعزام نیرو تشکیل واحدهای جنگ و حضور مسئولین نظام از مشخصات اصلی پادگان منتظران شهادت (گلف) بوده است. گلف تا پایان جنگ به عنوان پایگاه فرماندهی و هدایت جنگ مورد استفاده قرار می گرفت. تشکیل اتاق جنگ و فعال شدن اطلاعات و عملیات، اعزام نیرو و تشکیل واحدهای جنگ و حضور مسئولین نظام از مشخصات اصلی پایگاه منتظران شهادت بود. اولین گزارش های اطلاعات و عملیات جنگ توسط شهید حسن باقری که مسئول اطلاعات و عملیات جنوب بود، در این پایگاه منتشر شد که در تغییر استراتژی و تحول جنگ تأثیر به سزایی داشت.



یادمان شهدای هور (شهید هاشمی)



هور منطقه ای آب گرفته، شبیه به تالاب با نیزارهای بلند است. هور الهویزه یکی از بزرگترین هورهای جهان است که از چذابه تا پلائیة تا جاده العماره - بصره عراق امتداد دارد. در جریان جنگ تحمیلی هور الهویزه مانع بزرگی برای عبور نیروهای نظامی بود.



بعثی ها هرگز به عنوان یک معبر نظامی به هور نگاه نکردند. فرماندهان سپاه اسلام بر پایه همین آسیب پذیری دشمن در جنوب این منطقه عملیاتی طراحی کردند که خیبر نام گرفت. پس از آن نیز عملیات بزرگ بدر در این منطقه به اجرا در آمد. عملیات

بدر در روز ۱۳۶۳/۱۲/۲۰ با رمز یا فاطمه الزهرا (س) آغاز گردید و تا ۱۳۶۳/۱۲/۲۶ به طول انجامید که علاوه بر وارد کردن تلفات سنگین به دشمن، بیش از ۵۰۰ کیلومتر مربع از منطقه هور و روستاهای این منطقه به تصرف نیروهای خودی در آمد. در جریان عملیات بدر سرداران بزرگی چون شهید مهدی باکری، عباس کریمی، برونسی، تجلایی، رستگار به شهادت رسیدند. شهید علی هاشمی فرمانده سپاه ششم امام صادق (ع) و قرارگاه سری نصرت در طی هجوم سراسری مجدد دشمن پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، به همراه یارانش در عملیات شهادت طلبانه، با برخورد به بالگرد دشمن به شهادت رسید و پیکرش مفقود شد. در سال ۱۳۸۹ پس از ۲۱ سال پیکر مطهر شهید به آغوش امت بازگشت و در گلزار شهدای اهواز به خاک سپرده شد. در منطقه یادمان شهدای هور، از قایق عاشوراء که در دوران دفاع مقدس مورد استفاده قرار می گرفته به صورت نمادین استفاده می شود.

طلایه



طلایه: حدود ۴۵ کیلومتری جاده اهواز - خرمشهر سه راهی طلایه قرار گرفته و مرز ایران در محدوده طلایه به صورت یک زاویه قائمه است که به آن « دال طلایه » گفته می شود.



یکی از محورهای اصلی حمله عراق در روزهای اول جنگ (۱۳۵۹/۶/۳۱) محور نشوه، طلائییه، کوشک - اهواز می باشد، ارتش عراق برای پیشروی به سوی حمیدیه و اهواز از این معبر نظامی وارد خاک ایران شد. پس از شکست مقاومت نیروهای مرزی ایران به سوی جاده اهواز - خرمشهر، جفیر و کرخه کور پیشروی کرد. طلایه یکی از محورهای مهم عملیات های خیبر و بدر و کلید حفظ جزایر مجنون در طول جنگ می باشد. چرا که تصرف طلایه به معنی تثبیت پیشروی ایران در هور بود. عملیات خیبر در تاریخ ۱۳۶۲/۱۲/۳ با رمز یا رسول الله (ص) در این منطقه انجام گردید و رزمندگان به جزایر مجنون شمالی و جنوبی یورش بردند و حماسه های به یاد ماندنی خلق کردند. این منطقه شاهد شهادت مردان بزرگی همچون شهیدان حمید باکری و حاج همت بوده

است. بعد از دفاع مقدس، مقری برای جستجوی پیکر مطهر شهداء در این منطقه به نام حسینیه ابوالفضل(ع) دایر شد، که به عنوان یادمان شهدای طلائیه با ۵ شهید گمنام، میزبان زائران راهیان نور می باشد.

یادمان پاسگاه زید



پاسگاه زید: در شمال منطقه عمومی شلمچه در غرب جاده اهواز - خرمشهر و از محورهای هجوم دشمن بعثی عراق می باشد. از طریق پاسگاه زید دستیابی به جاده اهواز - خرمشهر بوده و یکی از محورهای عملیات بیت المقدس در آزادسازی خرمشهر محسوب می گردد. منطقه زید و ایستگاه حسینیه از محورهای مهم هجوم دشمن به خوزستان بود که عراق از این طریق به جاده اهواز - خرمشهر دست یافت. این منطقه یکی از محورهای مهم عملیات های بزرگی مانند بیت المقدس و کربلای ۴ و ۵ بوده است. عملیات رمضان در ۲۳ تیرماه ۶۱ در منطقه عمومی شمال شلمچه تا منطقه کوشک انجام گردیده و پاسگاه زید یکی از محورهای عملیات بوده است. پس از جنگ تحمیلی تعداد زیادی از پیکرهای شهدای عملیات رمضان توسط کمیته جستجوی مفقودین در این منطقه کشف شد. ۱۲ شهید گمنام در یادمان پاسگاه زید به یاد شهدای عملیات رمضان، مدفون است. همه ساله یادمان پاسگاه زید، میزبان زائران کاروان های راهیان نور می باشد.

بیمارستان صحرائی امام حسین(ع)

بیمارستان صحرائی امام حسین(ع) در ۷ کیلومتر ۷ جاده شهید شرکت(جاده انشعابی از شرق جاده اهواز - خرمشهر و بین ایستگاه حسینیه و دارخوین) قرار دارد. این بیمارستان صحرائی در سال ۱۳۶۱ ابتدا به صورت سوله هایی با آهن و پلیت



ساخته شد که بعدها و همزمان با عملیات کربلای ۴، بیمارستانی بتنی و با مساحت ۳۵۵۱ مترمربع در کنار آن احداث و به بهره برداری رسید. بیمارستان صحرایی امام حسین (ع) به گونه ای مجهز شده بود که دارای رادیولوژی، بانک خون، هشت اتاق عمل، بیست و پنج تخت اورژانس برای مجروحین عادی و بیست تخت اورژانس برای مصدومین شیمیایی، داروخانه، بخش ICU، و آزمایشگاه، ۱۴۵۰ نفر پزشک و کادر مرتبط پزشکی و ۱۲۰ نفر کادر اجرایی بود. از همان بدو شروع به کار و راه اندازی قسمت های مختلف این بیمارستان، امکانات لازم برای ارائه خدمات درمانی به مجروحین را مهیا گردید. تمامی بخش اورژانس از ۲ سالن عمود بر هم تشکیل می شد که در مواقع پدافند به عنوان نگاهتگاه، در هنگام آفند به عنوان اورژانس، برای پذیرش مجروحین بد حال، مورد استفاده قرار می گرفت.

شرق کارون



در ۱۶ کیلومتری شمال شرقی شهر آبادان، در کنار جاده آبادان - اهواز و **بخش شرقی رودخانه کارون**، ۱۱ شهید گمنام عملیات ثامن الائمه (شکست حصر آبادان) در سال ۶۰ به خاک سپرده شده اند. پس از فرمان حضرت امام (ره) مبنی بر شکست محاصره آبادان، عملیات ثامن الائمه در روز ۱۳۶۰/۷/۵ انجام شد. این عملیات اولین عملیات مشترک نیروهای ارتش و سپاه پس از عزل بنی صدر بود که با موفقیت کامل پایان پذیرفت و با عنایت خداوند، محاصره آبادان پس از ۳۴۹ روز شکسته شد. در این محل، شهداء به صورت گمنام مدفون هستند که مزارشان پس از سالها کشف و به عنوان یادمان شهدای عملیات ثامن الائمه در شرق کارون مورد بازدید زائرین قرار می گیرد.

جاده اهواز - خرمشهر



جاده اهواز - خرمشهر مهم ترین جاده حمل و نقل ارتباطی می باشد. در روزهای اولیه جنگ، از کیلومتر ۶۰ این جاده تا پلیس راه خرمشهر به اشغال دشمن در آمد و در طول اشغال، انواع خاکریز موانع، استحکامات، مواضع تانک و نفربر برای ممانعت از تسلط رزمندگان بر جابه جایی ادوات دشمن و هرگونه امکان نفوذ آن در شرق این جاده احداث شد. دشمن در طول جاده نیز برای هدایت آب از غرب جاده به سمت شرق با قطع جاده، سه بریدگی ۲۰ متری ایجاد کرده بود. این جاده که مهم ترین بخش از مرحله اول و دوم عملیات بیت المقدس بود، در ۱۳۶۱/۲/۱۰ با رشادت رزمندگان قرارگاه فتح و نصر آزاد شد. پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸ در ۱۳۶۷/۴/۳۱ دشمن با هجومی گسترده به اهواز و خرمشهر پیشروی نمود و دوباره بر این جاده مسلط شد که در نهایت در نبردی سنگین و دشوار طی سه روز به عقب رانده شد.

شهدای شیمیایی بهبهان



جاده ۱۳ کیلومتری شهید صفوی در شمال غربی خرمشهر و در کیلومتر ۱۳ جاده اهواز خرمشهر قرار دارد و این جاده را به دژ مرزی و جاده مرزی شهید کاظمی متصل می کند. این جاده محور اصلی عملیات کربلای ۵ بود و قرارگاه خاتم الانبیاء در مجاورت این جاده قرار داشت. پس از عملیات کربلای ۵ و تثبیت منطقه شلمچه، قرارگاه مهندسی صراط المستقیم که مدتی پس از آغاز جنگ به منظور بهره گیری از توان وازرتخانه ها و دولت در جنگ توسط وزارت سپاه تشکیل شده بود، در کنار این جاده مستقر شد. پس از شهادت محسن صفوی نام وی بر این جاده گذاشته شد.



در جریان عملیات کربلای ۵ در حالی که رزمندگان گردان فجر لشکر ۷ ولی عصر (عج) که از سه گروهان ابوالفضل، علی اکبر و قمر بنی هاشم شهرستان بهبهان تشکیل شده بودند در این جاده استقرار داشتند. این منطقه هدف اولین راکت شیمیایی آلوده

به گاز خردل دشمن قرار می گیرد و تا ساعت ۱۱ صبح دو راکت دیگر آلوده به سیانور به محل استقرار این گردان اصابت می کند که به شهادت نود نفر از رزمندگان گردان فجر شهرستان بهبهان و مصدوم شدن سایر افراد این گردان منجر می شود.

شلمچه



شلمچه منطقه ای مرزی در غرب خرمشهر و نزدیکترین نقطه مرزی به شهر بصره است. شلمچه یکی از مهمترین محورهای هجوم اولیه ارتش بعث عراق به ایران بود. ارتش عراق با گذر از این منطقه به سوی خرمشهر هجوم آورد. پس از عملیات بیت المقدس که منجر به فتح خرمشهر گردید، منطقه شلمچه همچنان در دست ارتش عراق بود. دشمن در سال ۱۳۶۴ به دنبال مشاهده پیشروی های رزمندگان اسلام، به فکر ایجاد مانعی غیر قابل عبور برای نیروهای اسلام افتاد، و پیرو تدابیر پدافندی خود، بر شمال جزیره بوارین، آب زیادی را در زمینی به وسعت ۷۵ کیلومتر مربع، رها ساخت. در طول جنگ تحمیلی منطقه شلمچه صحنه عملیات های بیت المقدس، رمضان، کربلای ۴، کربلای ۵، کربلای ۸ و بیت المقدس ۷ بوده که در این میان، عملیات کربلای ۵ از جایگاه ویژه ای برخوردار است. عملیات کربلای ۵ (با رمز مقدس یا فاطمه زهراء (س)) را می توان سخت ترین عملیات دوران دفاع مقدس نامید. در عملیات کربلای ۵ مردان بزرگی، مانند: شهیدان خرازی، کلهر، دقایقی و میثمی در این منطقه آسمانی شدند. حضور مقام معظم رهبری در تاریخ هشتم فروردین ماه ۱۳۷۸ در مشهد شهیدان شلمچه، نورانیت خاصی به این منطقه داد و به دستور ایشان، یادمان شهدای شلمچه توسط آستان مقدس رضوی ساخته شد. در این یادمان، ۸ شهید مدفون هستند که زیارتگاه زائران راهیان نور می باشد.



هر چند در پایان جنگ (تابستان ۱۳۶۷) بار دیگر این منطقه را دشمن تصرف کرد. اما، این شهداء و ایثارگران بودند که سرزمین شلمچه را باز ستاندند، تا جای قدم های علی بن موسی الرضا(علیه السلام) در هنگام ورود به ایران همچنان زیارتگاه باشد.

خرمشهر را خدا آزاد کرد.



خرمشهر، این شهر مهم استراتژیک مرزی، ۶۵۰۰ کیلومتر مربع مساحت دارد. خرمشهر از شمال به اهواز، از شرق به بندر ماهشهر، از جنوب به آبادان و از غرب به مرز ایران و عراق محدود است. در زمان وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷ حدود ۲۲۰ هزار نفر جمعیت داشت. خرمشهر در آغاز جنگ تحمیلی از اولین نقاطی بود که مورد حمله ارتش بعثی عراق قرار گرفت. بعثی ها خیال اشغال یک روزه خرمشهر را داشتند. اما، مدافعان شهر به فرماندهی **شهید جهان آرا** توانستند با حداقل امکانات، ۳۵ روز در مقابل ارتش عراق مقاومت کنند و همین مسئله شهر خرمشهر را نماد مقاومت مردمی نمود. دشمن، تجهیزات دفاعی فراوانی را در خرمشهر مستقر نمود و آن را به عنوان نماد پیروزی خود در جنگ مطرح نمودند که در مقابل با همت جوانان ایرانی، خرمشهر پس از ۵۷۸ روز اشغال، در تاریخ ۱۳۶۱/۳/۳ در عملیات بیت المقدس با رمز مقدس یا « علی بن ابیطالب (ع) » آزاد شد. در روزهای پایانی جنگ و پس از پذیرش قطعنامه ۵۹۸، ارتش عراق با انبوهی از لشگرهای خود با تهاجمی دیگر خود را به جاده اهواز - خرمشهر رساند. با پیام هشدار دهنده حضرت امام(ره) و با حضور سپاه و نیروهای مردمی در این منطقه طی سه روز درگیری و مقاومت، دشمن مجدداً به عقب رانده شد.

مسجد جامع خرمشهر

مسجد جامع خرمشهر، در طول ۳۵ روز مقاومت، مرکز فرماندهی و ستاد نیروهای مردمی بود. مسجد جامع خرمشهر که سمبل مقاومت خرمشهر شناخته می شود و هماهنگی های لازم برای تبادل اخبار، تجهیز، تسلیح و آموزش رزمندگان، مداوای اورژانسی مجروحین و نگهداری موقت شهداء، همگی در مسجد جامع خرمشهر انجام می گرفت. در عین حال سایر مساجد و حسینیه های شهر نیز پایگاه های فرعی بودند که از مسجد جامع هدایت می شدند.



مسجد جامع به زعم آنکه از آغاز جنگ در زیر آتش مؤثر دشمن قرار داشت و از ۵۹/۱/۲۴ چندین بار در آستانه سقوط قرار گرفت، اما تا آخرین روز، مقاوم باقی ماند و حتی پس از سقوط پل خرمشهر که تنها راه ارتباطی به خرمشهر بود، مأمّن و پناه نیروهایی بود که هنوز در شهر باقی مانده بودند، اما آنگاه که آخرین مدافعان به آب زدند و از کارون گذشتند مسجد جامع نیز خاموش شد، تا در سوم خرداد ۱۳۶۱ با پیروزی عملیات بیت المقدس، شاهد اشک شوق و شادی توأم با سجده شکر رزمندگان اسلام شود. آنجا که امام(ره) فرمودند: «خرمشهر را خدا آزاد کرد.»

گلزار شهدای خرمشهر: این گلزار یاد آور شهدای گمنام و مظلوم خرمشهر است که عده ای از آن ها بدون مراسم و حتی بدون کفن دفن شدند و همچنین در این گلزار هنرمند شهید «بهروز مرادی» آرمیده است.

موزه جنگ: این محل ساختمان سابق شرکت نفت خرمشهر بوده که پس از آزادسازی خرمشهر، به عنوان محل برپایی موزه جنگ برگزیده شد. ۳ شهید گمنام آرمیده در محوطه بیرونی موزه، زیارتگاه بازدیدکنندگان و زائران است.

نهر خین

خین، نهری است در نزدیکی روستای خین در غرب خرمشهر و جنوب نهر عرایض که جزیره بوارین عراق را از شلمچه ایران جدا می کند. این نهر در مجاورت پاسگاه مرزی خین قرار دارد و دو و نیم متر عمق و بین هشت تا سی متر عرض آن متغیر است و در تنومه عراق به شط العرب می ریزد.



در جریان آزادسازی خرمشهر، خین یکی از محورهای قرار گاه نصر به فرماندهی شهید همت برای ورود به شهر بود. در عملیات والفجر ۸ (فتح بندر استراتژیک فاو عراق) با پشتیبانی قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) از آن انجام گردید.



رزمندگان اسلام در عملیات کربلای ۴ در نبردی شجاعانه خسارات و تلفات فراوانی به دشمن وارد کردند و حتی عده از رزمندگان از نهر خین گذشتند که در نهایت به دلیل لو رفتن عملیات و حجم بسیار سنگین آتش دشمن، فرماندهان دستور توقف عملیات و عقب نشینی را صادر نمودند. با اطلاعات و تجارب به دست آمده در این عملیات، و گذشت حدوداً ۳ هفته از عملیات کربلای ۴، این منطقه در عملیات کربلای ۵ با رمز مقدس یا فاطمه زهراء(س) آزاد گردید.

یادمان شهدای علقمه

در غرب جاده خرمشهر - آبادان و منتهی الیه کوی آریا، و در کناره رود اروند منطقه ای وجود دارد که هنوز آثار بمباران های دژخیمان بعثی بر روی ساختمان های اطراف مشهود است. این منطقه یاد آور عملیات کربلای ۴ و شهدای مظلوم این عملیات است که در زمستان ۱۳۶۵ در این منطقه حماسه آفریدند. عملیات کربلای ۴ در مورخ ۱۳۶۵/۱۰/۳ با رمز مقدس « یا رسول الله (ص) » آغاز شد. غواص ها ساعاتی قبل از شروع عملیات به درون آب رفته و به سمت خط دشمن حرکت کردند. در این میان، نیروهای دشمن که کاملاً آماده و هوشیار بودند ضمن پرتاب منور، با تیربار و خمپاره به طرف آن ها شلیک می کردند. یکی از مناطق حساس عملیات، جزیره ام الرصاص و نوک بوارین بود، که به رغم تلاش بسیاری که برای تصرف آن انجام شد به خاطر

هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت. لذا به منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیات آتی، از ادامه نبرد اجتناب شد.



این نقطه یادآور حماسه رزمندگان تیپ ۳۲ انصارالحسین (ع) همدان و ۳۳ المهدی (ع) فارس در عملیات کربلای ۴ بوده است.

آبادان

شهر آبادان داخل جزیره آبادان و بین خلیج فارس و سه رودخانه کارون، بهمن شیر و اروند رود محصور است و به



اروند رود تسلط کامل دارد. رژیم بعث عراق با آغاز جنگ، توانستند با عبور از بهمن شیر جزیره آبادان نفوذ کنند که با مقابله مدافعان آبادان در کوی ذوالفقاری به خارج از جزیره عقب رانده شدند.



«به نام خدای شهیدان» «بازدید با معرفت از یادمان های دفاع مقدس در جنوب کشور»، «دوره آموزشی مدرسه عشق - سطح ۱»، حوزه بسیج، ویرایش دوم، شهریور ۹۹

رزمندگان اسلام، جبهه ای را با کمک گروه فدائیان اسلام به فرماندهی شهید سید مجتبی هاشمی مقابل دشمن شکل دادند. نیروهای عراقی در شمال جزیره زمین گیر شده و به محاصره آبادان اکتفا کردند. بعد از محاصره آبادان، امام خمینی (ره) بارها بر ضرورت شکسته شدن این محاصره تأکید کردند. تا اینکه در عملیات ثامن الائمه (ع) در تاریخ ۱۳۶۰/۷/۵ دشمن به غرب کارون رانده شد و آبادان از محاصره دشمن خارج شد. با انجام عملیات والفجر ۸ (تصرف فاو)، آبادان به عقبه تدارکاتی فاو تبدیل شد و نخلستان های این شهرستان در ارونند کنار و چوئبده، نقش مهمی را در استتار رزمندگان در عملیات های والفجر ۸ و کربلای ۴ ایفاء نمودند.

گلزار شهداء: گلزار شهدای آبادان در بخش جنوب غربی شهر آبادان و در کنار جاده آبادان - ارون کنار قرار دارد. بسیاری از شهیدان خرمشهر و آبادان از جمله؛ شهید شیخ شریف قنوتی (اولین روحانی شهید دفاع مقدس) و شهیده مریم فراهانیان، در این گلستان آرمیده اند. این گلزار ۱۷۷ شهید گمنام را در خود جای داده است و یکی از زیبایی های آن حضور شهیدانی از اقصی نقاط کشور است که مردمی بودن دفاع را اثبات می کند.

یادمان شهید تندگویان: این یادمان به یاد وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران شهید مهندس محمد جواد تندگویان ساخته شده است. شهید تندگویان ابتدای جنگ در این منطقه به دست عوامل ارتش بعث عراق به اسارت در آمد و پس از سال ها تحمل شکنجه به دست مزدوران بعثی به شهادت رسید.

یادمان ارونند کنار

اروندرود از بزرگترین رودهای جهان است، که از به هم پیوستن دجله و فرات در القرنه عراق و اتصال کارون در



خرمشهر به آن تشکیل می شود. ارونند به معنی تیز و تندرو و در دوره باستان به تمام طول رود دجله و ارونند، رود امروزی گفته می شد. به ارونند، رود وحشی نیز می گویند. در ارونند دو نوع جریان وجود دارد: جریان آرام بر سطح آن و جریانی سریع متلاطم

در عمق آن، این رودخانه به علت جزر و مدّها و نوع حرکتش این لقب را گرفته است. این رودخانه دائم مورد مناقشه ایران و عراق بوده و حاکمیت مطلق بر این رودخانه از آرزوهای دیرینه حاکمان بغداد بوده است. یکی از اهداف رژیم بعثی عراق در هجوم سراسری به ایران، حاکمیت مطلق بر اروند و انتقال مرزهایش به ساحل شرقی این رودخانه بود. اروند در دوران دفاع مقدس، شاهد عملیات والفجر ۸، یکی از بزرگترین نبردهای دوران جنگ بود. عملیات والفجر ۸ در روز ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ با رمز مقدس «یا فاطمه الزهراء(س)» با عبور از «اروندرو» حد فاصل خسروآباد تا رأس البیشه آغاز شد و پس از ۷۸ روز جنگ تمام عیار شهر فاو به تصرف رزمندگان در آمد و عملیات دلیرانه ای که تمامی کارشناسان نظامی را متعجب کرد. در شمال شرق «اروندکنار» روبروی شهر فاو عراق، بنای یادبود شهدای والفجر ۸ قرار دارد که ۸ شهید گمنام در نوروز سال ۱۳۸۰ همزمان با ایام محرم حسینی در این محل و در ساحل رودخانه «اروندرو» به خاک سپرده شده اند.

پل بعث: پس از تصرف شهر بندری(ساحلی) فاو در عملیات والفجر ۸ و قطع ارتباط عراق با آبهای خلیج فارس، رژیم بعث عراق همه توان خود را برای به زانو در آوردن رزمندگان به کار بست و شهر فاو و نیروهای مستقر در آن را زیر آتش سنگین حملات هوایی و زمینی و ... خود گرفت.

با آنکه عبور نیروی نظامی از «اروندرو» از نظر کارشناسان نظامی دنیا غیر ممکن بود و پشتیبانی از این حجم نیرو در فاو فقط از طریق رودخانه، پل مناسبی را می طلبد. لذا به همت و نبوغ و درایت ایرانی، احداث پل با مشخصات ویژه ای چون بهره مندی از استتار کامل و سایر تدابیر دفاعی در دستور کار فرماندهان جنگ و مسئولین قرارگاه کربلا قرار گرفت. پل بعث که از آن بعنوان شاهکار مهندسی جنگ می توان نام برد، پس از شش ماه تلاش و به کارگیری ۳۴۰۰ قطعه لوله،



« به نام خدای شهیدان»، «بازدید با معرفت از یادمان های دفاع مقدس در جنوب کشور»، « دوره آموزشی مدرسه عشق - سطح ۱»، حوزه بسیج، ویرایش دوم، شهریور ۹۹

توسط ستاد مهندسی رزمی کربلا و با پشتیبانی قرارگاه خاتم الانبیاء(ص) و ستادهای مرکزی پشتیبانی جهاد سازندگی استان های خراسان و خوزستان در مورخه ۱۳۶۵/۷/۲۲ در ۱۰ کیلومتری جنوب شهر فاو و هم زمان با عید مبعث بهره برداری شد و به این علت پل مبعث نام گرفت.



«اروندکنار» یکی از بخش های شبه جزیره آبادان است که در ۴۸ کیلومتری جنوب شرق آبادان و در انتهای جاده آبادان، واقع شده است. این منطقه شاهد یکی از موفق ترین و بزرگترین نبردهای دوران دفاع مقدس می باشد. در عملیات والفجر ۸ غواصان خط شکن شبانه از اروندرود گذشته، خط دشمن را شکسته و موفق به آزاد سازی منطقه فاو شدند، این عملیات ضربه مهلکی بر ارتش بعث عراق وارد کرد.



« اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ »

منابع:

<http://www.rahianenoor.com>

<http://lorestan.navideshahed.com>

<https://www.ziaossalehin.ir>

<http://www.shamsa.ir>

KHAMENEI.IR

تهیه کننده: حوزه بسیج شرکت ملی پالایش و پخش « با آرزوی بهترین ها » « ویرایش دوم، شهریور ۱۳۹۹ »